



وقتی عیسای مسیح بر
روی زمین زندگی می کرد،
افرادی با نیت های بد
می خواستند او را امتحان
کرده، ثابت کنند که او
پسر خدا نیست.

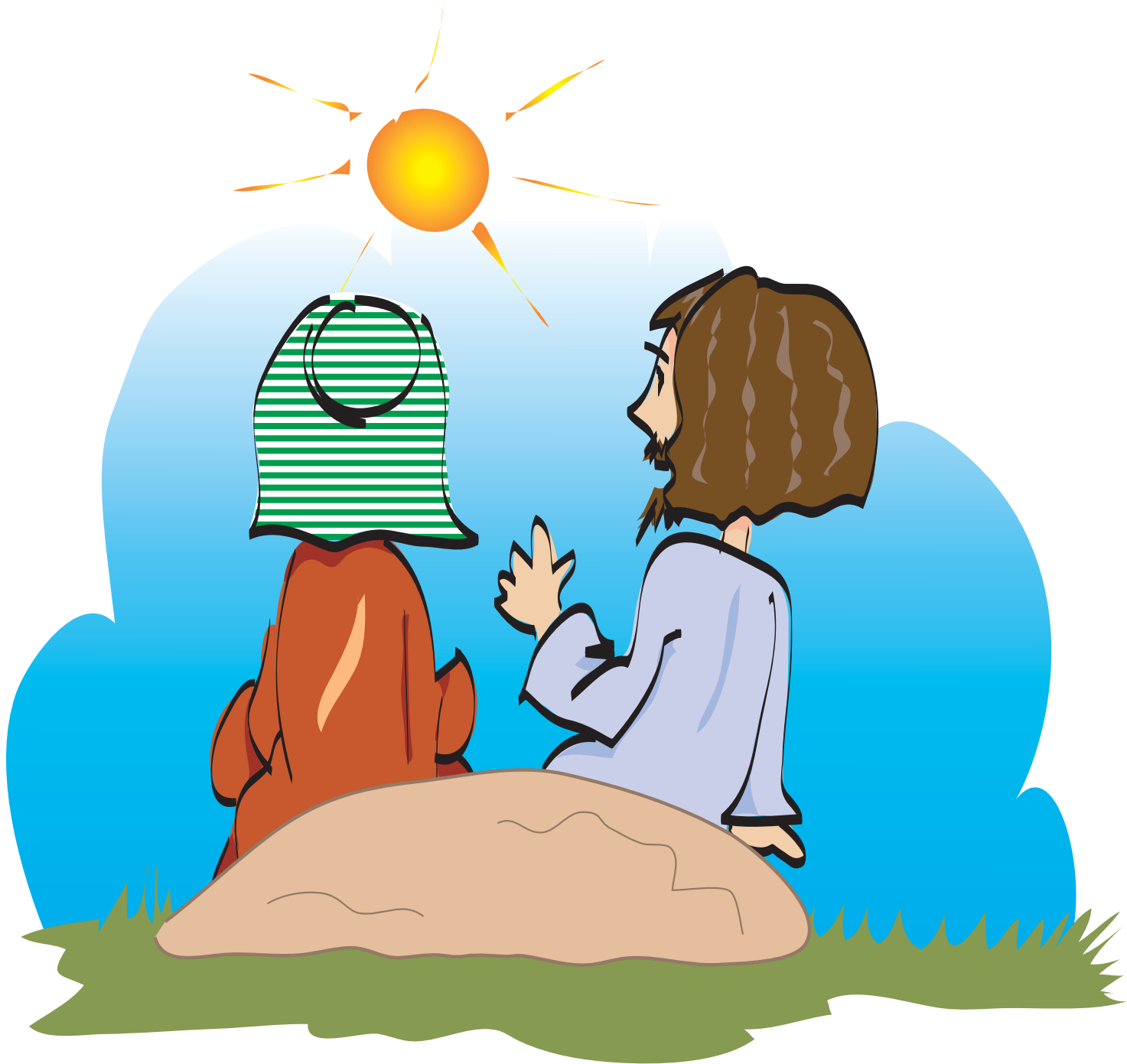
روزی یکی از این افراد
پیش عیسی آمد و از او
پرسید: "ای عیسای مسیح،
من چگونه می توانم زندگی
ابدی داشته باشم؟"

عیسی به او گفت: "در کتاب مقدس چه نوشته شده؟ آیا دستورات خدا را می‌دانی؟"

آن مرد جواب داد: "بله، می‌دانم. در کتاب مقدس نوشته شده که خدای خودت را با تمام دل و جان و قوّت و فکرت دوست داشته باش و همینطور همسایه‌ات را همانقدر که خودت را دوست داری، دوست داشته باش!"

عیسی گفت: "آفرین، درست جواب دادی؛ برو و همینطور رفتار کن و مطمئن باش که زندگی ابدی را به دست خواهی آورد."





اما آن مرد باز از عیسی پرسید: "همسایه من چه کسی است تا بتوانم همانقدر که خودم را دوست دارم، او را نیز دوست داشته باشم؟"

عیسی برای اینکه به این مرد کمک کند، داستانی برایش تعریف کرد: